

# طراحی و اجرای الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی و تاثیر آن بر یادگیری مفاهیم و کنشهای نمونه‌سازی

\* مائده مالکی

\*\* دکتر هاشم فردانش

\*\*\* دکتر ابراهیم طلایی

\*\*\*\* دکتر جواد حاتمی

## چکیده

فرایند ساخت نمونه از سوی یادگیرنده رویکردنی تلقیقی به منظور درک مهارت‌های علمی، اجتماعی، معرفت‌شناسنامه و شناختی در آموزش علوم است. هدف این پژوهش طراحی و اجرای الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی در درس علوم است. در طراحی این الگو از اصول طراحی محیط‌های یادگیری نمونه‌سازی و فناورانه و سایر اصولی بهره گرفته شده است که به منظور افزایش یادگیری مفهومی و کنشهای نمونه‌سازی در دانش آموزان مدنظر است. به همین منظور الگوی مورد نظر با بررسی پژوهشها و منابع موجود در زمینه یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی، بهویله چگونگی آن در یادگیری مفاهیم و کنشهای نمونه‌سازی در درس علوم به شیوه طراحی پژوهی و با بهره‌گیری از مشورت متخصصان تعلیم و تربیت و شماری از معلمان طراحی شده و مورد بازبینی قرار گرفته است تا امکان اجرای آن در کلاس فراهم شود. به منظور اجرای الگوی طراحی شده، روش شبه آزمایشی پیش‌آزمون - پس آزمون با گروه گواه به کار رفته است. نمونه پژوهش شامل ۵۰ دانش آموز دختر پایه هشتم شهر تهران بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کوواریانس چندمتغیره بهره‌گیری شده است. براساس یافته‌های پژوهش، میزان یادگیری مفهومی دانش آموزانی که با الگوی طراحی آموزشی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی آموزش دیده‌اند، بیشتر از دانش آموزانی است که به شیوه متدالول آموزش دریافت کرده‌اند. میزان یادگیری کنشهای نمونه‌سازی دانش آموزانی که با الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی آموزش دیده‌اند، بیشتر از دانش آموزانی است که با شیوه متدالول آموزش دیده‌اند.

**کلید واژگان:** نمونه‌سازی، علوم، یادگیری مفهومی، کنشهای نمونه‌سازی، یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۲

maede.maleki@yahoo.com

fardan\_h@modares.ac.ir

e.talae@modares.ac.ir

j.hatami@modares.ac.ir

دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

\*\* دانشیار گروه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران (نویسنده مستول)

\*\*\* استادیار گروه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

\*\*\*\* دانشیار گروه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

## مقدمه و پیشینه پژوهش

یادگیری و درک علوم با توجه به شیوه‌های مرسوم که اغلب روی حفظ کردن حقایق و فرمولها تاکید دارند، برای بسیاری از دانشآموزان سخت و دشوار است (لوکا<sup>۱</sup> و زاخاریا<sup>۲</sup>. ۲۰۱۲). دانشآموزان در این شیوه‌های یاددهی-یادگیری، اغلب علوم را علمی انتزاعی در نظر می‌گیرند که با زبانی پیچیده ارائه می‌شود و این تصور سبب کاهش علاقه آنها، درک نادرست، پایین آمدن نمرات آنها و ایجاد نمونه‌های ذهنی نادرست از پدیده‌های علمی خواهد شد که گاهی مدت‌ها با آنها همراه است و سایر بدفهمی‌ها را در پی خواهد داشت (gilbert<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

در حال حاضر تاکید بر کنشهای بازنمایانه و معرفت‌شناسانه جستارورزی علمی در آموزش علوم در حال افزایش است و نیاز یادگیرندگان به درک علوم و فرایند علوم بیش از هر چیز احساس می‌شود (کلارک<sup>۴</sup> و سنگوپتا<sup>۵</sup>. ۲۰۱۳). از این رو، استانداردهای اخیر علوم روی کنشها تاکید می‌کنند و معتقدند که علوم صرفاً پیکره‌ای از دانش به منظور انعکاس درک رایج از جهان نیست بلکه مجموعه‌ای از کنشها به منظور ایجاد، گسترش و تصحیح دانش موجود است. دانش و کشش هر دو مهم و ضروری هستند (شورای تحقیقات ملی<sup>۶</sup>؛ ۲۰۱۲؛ ۲۰۱۳).

در ایران از سال ۱۳۷۰ در دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتابهای درسی، طرحی جدید با تاکید بر رویکرد فرایند-محور برای طراحی و تولید برنامه‌های درسی علوم دوره ابتدایی و راهنمایی در دستور کار قرار گرفته است (احمدی، ۱۳۸۵). با وجود تاکید اساسی بر درگیر کردن یادگیرندگان در فرایندهای یادگیرنده-محور و کنش-محور، جایگاه و عملکرد دانشآموزان ایران همواره از میانگین بین المللی در مطالعه تیمز که هر چهار سال یک بار روی دانشآموزان پایه چهارم و هشتم صورت می‌گیرد، به طور معناداری پایین‌تر بوده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۱). علاوه بر این مطالعه میدانی تیمز در سال ۲۰۰۳ نشان داده که دانشآموزان ایرانی در مجموع ۲۸۶ پرسش آزمون عملکردی متناسب با برنامه‌های رسمی کشورمان از نظر به خاطر سپردن و فهمیدن، در سطح نسبتاً بالایی قرار دارند اما در مهارت‌هایی چون ساختن نظریه‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، حل مساله و به کارگیری ابزار و روش‌های علمی و یا پژوهش درباره طبیعت و محیط‌زیست، در سطح بسیار پایینی قرار دارند (مارتین و همکاران، ۲۰۰۴).

1. Louca

2. Zacharia

3. Gilbert

4. Clark

5. Sengupta

6. National Research Council

دفتر آموزش و پژوهش راهنمایی (۱۳۸۸) به نقل از لشکر بلوکی (۱۳۹۲) اشاره می‌کند که با توجه به نتایج آزمونهای تیمز در کشور، میزان دستیابی دانش آموزان به مهارتهایی چون حل مساله، استدلال، فرضیه‌سازی، آزمایش فرضیه، تخمین مهارتهای محاسباتی و... بسیار کمتر از حد انتظار است و به نظر می‌رسد بخشی از این ضعفها بر می‌گردد به رویکردها و روشهای آموزش که در بنانهادن درک معنادار و تعمیم آموخته‌ها به موقعیت واقعی، نقش اساسی دارند.

قنبیری و کیامنش (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای به منظور تعیین میزان به کارگیری روش فعال توصیه شده در راهنمای تدریس کتاب علوم تجربی پایه پنجم به این نتیجه دست یافتند که معلمان اطلاعات و مهارتهای لازم را برای پژوهش مهارتهای فرایندی ندارند تا این مهارتها در تدریس علوم استفاده کنند. علاوه بر این پژوهش‌های انجام شده در زمینه شیوه‌های تدریس نشان داده اند که هنوز بسیاری از معلمان بخشی قابل ملاحظه از وقت کلاس خود را برای سخنرانی یا پرسیدن سوالهایی صرف می‌کنند که چیزی غیر از گردآوری حقایق ساده علمی نیست و تنها یک درصد زمان صرف شده در کلاس را به سوالهایی اختصاص می‌دهند که مستلزم پاسخ متغیرانه است (نجفی هزارجریبی، ۱۳۸۷).

یکی از کنشهای مطرح به منظور درگیر کردن یادگیرنده‌گان در فرایند علمی ساخت نمونه<sup>۱</sup> و نمونه‌سازی<sup>۲</sup> از سوی یادگیرنده است. این رویکرد منجر به درک بهتر نسبت به پدیده‌های طبیعی، مهارتهای علمی و معرفت‌شناختی در آموزش علوم می‌شود. نمونه‌سازی از جمله رویکردهایی است که به نظریه ساختن‌گرایی<sup>۳</sup> و ابزارهای شناختی<sup>۴</sup> نسبت داده شده است. نظریه ساختن‌گرایی را پاپرت<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۱ مطرح کرده است. ساختن‌گرایی پاپرت توجیهی ویژه به نقش ساختن در جهان به منظور پشتیبانی یادگیری دارد. یوناسن<sup>۶</sup> نیز با تاکید بر ابزارهای شناختی مانند سازماندهی معنایی<sup>۷</sup>، نمونه‌سازی پویا<sup>۸</sup>، تفسیر اطلاعات<sup>۹</sup>، ساخت دانش<sup>۱۰</sup> و... بیش از هر چیز بر اهمیت این ابزارها و نقش آنها در ساخت دانش به دست یادگیرنده‌گان تاکید می‌کند. در این نگاه جدید، یادگیرنده‌گان افرادی فعال در نظر گرفته می‌شوند که با به کارگیری ابزارهای شناختی دانش خود را

1. Model
2. Modeling
3. Constructionism
4. Cognitive tools
5. Papert
6. Jonassen
7. Semantic organization
8. Dynamic modeling
9. Information interpretation
10. Knowledge construction

می‌سازند و با درگیر شدن و فعالیت، نتایج بهتری از یادگیری خود به دست می‌آورند (یوناسن و همکاران، ۱۹۹۸).

در حال حاضر «یادگیری مبتنی بر نمونه<sup>۱</sup>» مورد حمایت متخصصان آموزشی بهویژه در حوزه آموزش علوم قرار گرفته است. این رویکرد منجر به ایجاد بازنمایی بیرونی از سازوکارهای زیربنایی پدیده فیزیکی می‌شود و به یادگیرندگان در فهم این سازوکار کمک می‌کند (لوکا و زاخاریا، ۲۰۱۲). علاوه بر این زمینه‌ای را ایجاد می‌کند در راستای ایجاد و اصلاح نمونه‌ها به منظور بروز بروندادهای با کیفیت‌تر در راستای فهم بنیادین مفاهیم، فهم عملیاتی ماهیت علوم و توانایی کاربرد مهارت‌های استدلال و فرایندی به نسبت آنچه در اکثر نظامهای آموزشی متدال است.

با توجه به تاکیدهای بسیار بر ساخت نمونه از سوی یادگیرنده در حوزه علوم، مطالعات تجربی کمی روی نمونه‌سازی انجام شده است و اغلب به صورت کیفی و روایتی ارائه شده‌اند (دی‌جانگ<sup>۲</sup> و ون‌یولینگن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ لوکا و زاخاریا، ۲۰۱۲). علاوه بر این لوکا و زاخاریا (۲۰۱۲) معتقدند که اغلب مطالعات انجام شده روی محصول نمونه‌سازی به منزله یادگیری تمرکز کرده‌اند و یادگیری مفهوم و کنشها و فرایندهایی که در خلال فرایند نمونه‌سازی اتفاق می‌افتد، مورد توجه قرار نگرفته است.

یادگیری مفهومی یادگیرندگان زمانی که فعالانه در فرایند یادگیری از طریق آزمایش علمی درگیر می‌شوند در مقایسه با زمانی که از طریق راهبردهای منفعل آموزش می‌یابند، بیشتر است (مینر<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). هانسن<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) معتقد است یادگیرندگان ۲۵ درصد آنچه را شنیده‌اند، ۴۵ درصد آنچه را شنیده و دیده‌اند و ۷۰٪ آنچه را دستکاری و کتترل کرده‌اند یا آنچه را یادگرفته‌اند و به عمل تبدیل کرده‌اند، به یاد می‌آورند. یک پژوهش سنتزپژوهی در کلاس‌های علوم مقاطع مهدکودک تا دوازدهم نشان داد، فهم مفهومی یادگیرندگانی که فعالانه در فرایند یادگیری از طریق آزمایش علمی درگیر می‌شوند بیشتر از یادگیرندگانی است که از طریق راهبردهای منفعل تر به آنها درس داده می‌شود (مینر و همکاران، ۲۰۱۰). چانگ<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی دریافتند، یادگیری مفهومی یادگیرندگانی که در طراحی، تفسیر و ارزشیابی نمونه‌هایشان درگیر می‌شوند از یادگیرندگانی که فقط از نمونه‌های از قبل ساخته شده استفاده می‌کنند، بیشتر است.

1. Modeling-based learning

2. De Jong

3. van Joolingen

4. Minner

5. Hansen

6. Chang

فرایند نمونه‌سازی مستلزم مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها و راهبردهای شناختی مرتبط با نمونه‌سازی است (استراتفورد<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۸) که تحت عنوانین کنشهای نمونه‌سازی (نامدار و شن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵) یا عناصر کنش نمونه‌سازی (شوارتز<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۹) یا مراحل ساخت نمونه طبقه‌بندی می‌شوند. طبقه‌بندیهای گوناگونی از کنشهای نمونه‌سازی از سوی یادگیرنده ارائه شده است. به عنوان مثال شوارتز و همکاران (۲۰۰۹) به چهار کنش نمونه‌سازی اشاره کرده اند:

- یادگیرنده‌گان نمونه‌ها را مطابق با شواهد و نظریه‌های قبلی به منظور بیان، شرح یا پیشگویی پدیده مورد نظر می‌سازند.
- یادگیرنده‌گان از نمونه‌ها به منظور نشاندادن، توضیح دادن و پیشگویی پدیده مورد نظر استفاده می‌کنند.
- یادگیرنده‌گان نمونه‌های گوناگون را با توجه به صحت و دقت بازنمایی پدیده مورد نظر و پیش‌بینی پدیده جدید مورد مقایسه و ارزشیابی قرار می‌دهند.
- یادگیرنده‌گان نمونه‌ها را به منظور افزایش قدرت تبیین و پیش‌بینی و در نظر گرفتن سایر شواهد یا ابعاد پدیده مورد بازبینی قرار می‌دهند.

دی‌جانگ و ون یولینگن (۲۰۰۸) اذعان دارند که غالب پیشینه نمونه‌سازی، آن را به مثابه یک فعالیت واحد نگریسته‌اند و فرایند نمونه‌سازی در غیاب داده‌ای که نمونه می‌شود، اتفاق می‌افتد. به این ترتیب نمونه‌سازی در حد یک فعالیت نظری باقی می‌ماند. در صورتی که نمونه‌سازی باید در یک فرایند جستارورزانه تلفیق شود. علاوه بر این، براوو<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که ترکیب نادرست فرایند نمونه‌سازی ممکن است، کسب مهارت‌های نمونه‌سازی و دریافت مفهوم مورد نظر را از سوی یادگیرنده با مشکل رویه‌رو کند. از این رو در این مطالعه قصد داریم با در نظر گرفتن پیشینه نمونه‌سازی و با مورد توجه قرار دادن راهبردهای آموزشی که منجر به تسهیل یادگیری مفهومی و کسب کنشهای نمونه‌سازی<sup>۵</sup> از سوی یادگیرنده‌گان می‌شود، یک الگوی مطلوب به منظور رویکرد یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی ارائه دهیم. در این الگو علاوه بر تسهیل یادگیری مفهومی یادگیرنده‌گان، کسب کنشهای نمونه‌سازی از سوی یادگیرنده‌گان مورد تاکید قرار گرفته است.

---

1. Stratford  
2. Shen  
3. Schwarz  
4. Bravo  
5. Modeling practices

## اهداف پژوهش

۱. بررسی و تعیین مؤلفه‌ها و ویژگیهای الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی با تاکید بر یادگیری مفاهیم و کنشهای نمونه‌سازی در درس علوم.

۲. بررسی تاثیر استفاده از الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی روی یادگیری مفهومی و کنشهای نمونه‌سازی دانش آموزان.

## سؤالات پژوهش

۱. الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی طراحی شده به منظور افزایش یادگیری مفهومی یادگیرندگان و کنشهای نمونه‌سازی می‌باشد دارای چه ویژگیهایی باشد؟

۲. الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی دارای چه مراحلی است؟

۳. تأثیر استفاده از الگوی مبتنی بر نمونه‌سازی بر یادگیری مفهومی و کنشهای نمونه‌سازی دانش آموزان چگونه است؟

## روش پژوهش

در پژوهش حاضر به تناسب سوال‌ها و اهداف پژوهش از چندین روش پژوهشی بهره گرفته شده است. به منظور دستیابی به پاسخ دو سؤال اول مبنی بر ویژگیها و مراحل الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی، روش طراحی‌پژوهی<sup>۱</sup> به کار رفته است. به منظور دستیابی به پاسخ سؤال سوم مبنی بر تأثیر استفاده از الگوی مبتنی بر نمونه‌سازی روی یادگیری مفهومی و کنشهای نمونه‌سازی دانش آموزان، گروهی که با الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی آموخته دیده‌اند با دانش آموزانی که به شیوه متداول آموخته دیده‌اند، مقایسه شدند. بدین صورت که ابتدا الگوی مورد نظر با بررسی پژوهشها و منابع موجود در زمینه یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی، بهویشه چگونگی آن در یادگیری مفاهیم و کنشهای نمونه‌سازی در درس علوم به شیوه طراحی‌پژوهی و با بهره‌گیری از مشورت متخصصان تعلیم و تربیت و شماری از معلمان طراحی شده و مورد بازبینی قرار گرفته است. طراحی‌پژوهی یک مطالعه نظاممند از طراحی، ایجاد و ارزشیابی مداخلات آموزشی (مانند برنامه‌ها، راهبردهای تدریس و یادگیری و مواد، محصولات و نظامها) به عنوان راه حل‌هایی برای مسائل پیچیده در کنش آموزشی با هدف افزایش دانش درباره ویژگیهای این مداخلات و فرایندهای طراحی و ایجاد آنها به شمار می‌آید (ون دن آکر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). بارب<sup>۳</sup> و اسکوایر<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)

1. Design-based research

2. Van den Akker

3. Barab

4. Squire

طراحی پژوهی را مجموعه‌ای از رویکردها به منظور تولید نظریه‌ها، مصنوعات و کنشهای جدید برای تحت تاثیر قرار دادن یادگیری و تدریس در محیط‌های واقعی تعریف کرده‌اند. الگوی به دست آمده از رویکرد طراحی پژوهی به صورت شبیه آزمایشی (پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه آزمایشی و کنترل) با گروهی دیگر از دانش‌آموزان که به شیوه متداول آموزش دیده بودند، مورد مقایسه قرار گرفت. یادگیرندگان هر دو گروه، دانش‌آموزان دختر پایه هشتم در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند که پس از انتخاب تصادفی کلاسها به عنوان گروه آزمایشی و گواه انتخاب شدند. سپس پیش‌آزمون محقق ساخته که پایابی و روایی آن محاسبه شد روی دانش‌آموزان هر دو گروه اجرا شد. سپس نرم‌افزار نمونه‌سازی به دانش‌آموزان گروه آزمایشی آموزش داده شد. پژوهشگر به مدت پنج جلسه ۷۰ دقیقه‌ای محتوای درسی مربوط به تاثیر گازهای گلخانه‌ای، چرخه کربن و افزایش گازهای گلخانه‌ای را که بر اساس الگوی طراحی آموزشی مبتنی بر نمونه‌سازی طراحی شده بود روی گروه آزمایشی اجرا کرد و محتوای همان درس را معلم همان پایه در گروه گواه تدریس کرد، به این‌گونه که در گروه گواه همه مراحل (مانند ارائه سؤال یا تدریس مفاهیم با استفاده از فیلم) به جز مراحلی که به نمونه‌سازی یا فرایند نمونه‌سازی مرتبط بود، انجام شد. یک هفته پس از اتمام جلسات و فعالیتهای اجرایی آزمون محقق ساخته به منظور سنجش یادگیری مفاهیم و کنشهای نمونه‌سازی روی هر دو گروه اجرا شد. برای تعیین روایی آزمون از روایی محتوایی و برای اندازه‌گیری میزان پایابی آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۸۱ بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از دو گروه آزمایشی و کنترل برای تعديل تفاوت‌های اولیه گروهها از روش آماری تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد.

### ویژگیها و عناصر الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی

با توجه به فرایند جستارورزانه و کنش‌محور نمونه‌سازی و بهره‌گیری از فناوری به منظور ساخت دانش از سوی یادگیرندگان، از اصولی که کالی<sup>۱</sup> و لین<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۸ برای آموزش علوم ویژه محیط‌های فناورانه مطرح کرده‌اند، برای ایجاد برخی از ویژگیهای الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی بهره‌گیری شد. برخی از این اصول عبارت اند از: قابل دسترس کردن علوم<sup>۳</sup>، قابل رویت کردن تفکر<sup>۴</sup>، کمک به یادگیرندگان که از یکدیگر یاد بگیرند و ارتقای یادگیری مادام‌العمر مستقل.

1. Kali

2. Linn

3. Making science accessible

4. Making thinking visible

یکی دیگر از عواملی که به درک درست برای انجام نمونه‌سازی و کنشهای نمونه‌سازی در یادگیرندگان می‌انجامد، درک معرفت‌شناختی فرایнд نمونه‌سازی است. شوارتز و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند که انجام دادن با کیفیت کنشهای نمونه‌سازی مستلزم آن است که یادگیرندگان دلیل، معیارها و ماهیت نمونه‌سازی علمی را درک کنند. شوارتز و وايت<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) معتقدند که بدون این دانش یادگیرندگان نه می‌توانند ماهیت علوم را درک کنند و نه کنشهای نمونه‌سازی را به نحو مطلوبی انجام دهند.

برلندر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که یادگیرندگان به منظور درگیر شدن در کنشهای علمی علاوه بر اینکه باید نسبت به زیرکنشهای هریک از کنشها آگاهی داشته باشند، نسبت به چگونگی و چرایی آنها نیز باید مطلع شوند تا بتوانند به طور معنادار در این کنشها درگیر شوند. از این رو آنها با ارائه چارچوب «معرفت‌شناسی در کشن»<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۶ به ایده‌های معرفت‌شناسانه‌ای اشاره کرده اند که ادغام آنها با کنشهای علمی منجر به هرچه معنادارتر شدن فرایند ساخت دانش می‌شود. آنها به منظور ارائه این ایده‌های معرفت‌شناختی ضمن در نظر گرفتن فرایند ساخت و بازبینی دانش، کنشهای تبیین، استدلال و نمونه‌سازی را مد نظر قرار داده‌اند. این چارچوب دارای چهار ملاحظه معرفت‌شناختی ماهیت، تعمیم، توجیه و مخاطب است که در جدول ۱ شرح داده شده است.

اگرچه به کارگیری رویکردهای جستارورزی در یادگیری توصیه می‌شود اما ماهیت جامع و باز وظایف جستارورزی واقعی چالشهایی را برای یادگیرندگان به وجود می‌آورد. زمانی وظایف جستارورزی واقعی می‌تواند برای اهداف آموزشی مورد استفاده قرار بگیرد که یادگیرندگان به‌اندازه کافی مورد پشتیبانی قرار بگیرند. شواهد حاکی از آن است که تاثیر یادگیری مبتنی بر جستارورزی و نمونه‌سازی به پشتیبانی یادگیرنده بستگی دارد. اخیراً یک فراتحلیل نشان داده است که یادگیری مبتنی بر کاوش بدون راهنمایی تاثیر کمتری از آموزش مستقیم دارد (الفیری<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). آیسینک<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۹) نشان داده‌اند که یادگیری جستارورزی خوب هدایت شده، موثرتر از یادگیری فرارسانه‌ای و یادگیری مشاهده‌ای است. کلاهر<sup>۶</sup> و نیگام<sup>۷</sup> (۲۰۰۴) نشان داده اند که

1. White

2. Berland

3. Epistemologies in Practice (EIP)

4. Alfieri

5. Eysink

6. Klahr

7. Nigam

مشاهده عملکرد معلم از یادگیری مبتنی بر کشف هدایت‌نشده موثرتر است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که پشتیبانی یادگیرنده در رویکردهای جستارورزی بسیار مهم است اما پژوهشگران نسبت به اینکه چقدر می‌توانند پشتیبانی کنند و چه زمانی باید این پشتیبانی ارائه شود با یکدیگر هم نظر نیستند.

ماهیت جستارورزانه نمونه‌سازی اهمیت به کارگیری شیوه‌های تکیه‌گاه سازی را نشان می‌دهد. پژوهشها نشان داده‌اند یادگیری از طریق نمونه‌سازی تنها زمانی می‌تواند با موفقیت همراه شود که یادگیرنده‌گان به اندازه کافی مورد تکیه‌گاه‌سازی قرار بگیرند. تکیه‌گاه‌سازی‌های شناختی می‌توانند با نرم افزار شبیه‌سازی یا در یک یا چند فرایند جستارورزی ادغام شوند. دی‌جانگ و ون یولینگن (۱۹۹۸)، کوییتنا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۴)، لین و همکاران (۲۰۰۶) و دی‌جانگ (۲۰۰۶) از جمله افرادی بودند که به این تکیه‌گاه‌سازی‌های شناختی توجهی ویژه داشته‌اند.

### یافته‌ها

سؤال اول: الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی طراحی شده به منظور افزایش یادگیری مفهومی یادگیرنده‌گان و کسب کنشهای نمونه‌سازی می‌باشد دارای چه ویژگیهایی باشد؟

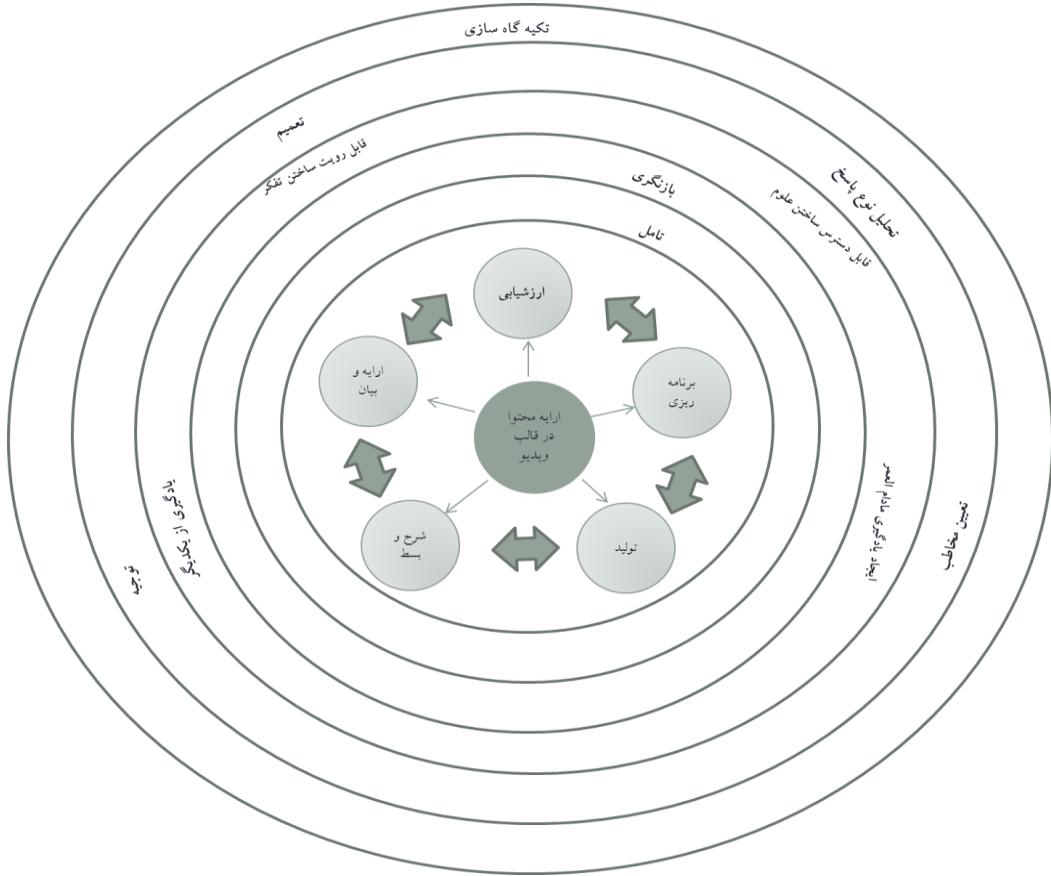
با توجه به اصول مطرح شده در آموزش علوم مانند تاکید بر بعد معرفت‌شناسانه نمونه‌سازی، ماهیت فرایند نمونه‌سازی و روش‌های تکیه‌گاه‌سازی در فرایند نمونه‌سازی، جدول ۱ مقوله‌های مربوط به اجزای تشکیل دهنده الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقوله‌های مربوط به اجزای تشکیل دهنده الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی

مفهوم	تعریف	کاربرد مقوله‌ها در الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی
کش برنامه‌بریزی	یادگیرنده‌گان به مشاهده یا گردآوری اطلاعات، داده یا تجربیات که به پذیرده تحت مطالعه مرتبط است، می‌پردازند.	دانش آموzan با بهره‌گیری از مبنای مانند ویدیو، پاورپوینت و توضیحات معلم نسبت به مفاهیم موجود در درس اطلاعات لازم را به دست آورند.
کش طراحی و ایجاد	یادگیرنده‌گان یک نمونه از پذیرده مورد نظر را بر اساس اطلاعات، داده یا تجربیات گردآوری شده ایجاد می‌کنند.	دانش آموzan با بهره‌گیری از اطلاعات موجود نسبت به مفاهیم مورد نظر، نمونه مورد نظر را ایجاد کرند.
کش ارائه	یادگیرنده‌گان از نمونه‌ها به منظور نشان دادن، توضیح دادن و پیشگویی پذیرده مورد نظر استفاده می‌کنند.	دانش آموzan نمونه خود را به همراه توضیحات لازم به سایر همکلاسیهای خود نمایش دادن.
کش ارزشیابی	یادگیرنده‌گان نمونه‌های گوناگون را با توجه به صحت و دقیقت بازنمایی پذیرده موردنظر و پیش‌بینی پذیرده جدید، مورد مقایسه و ارزشیابی قرار می‌دهند.	دانش آموzan با استفاده از مؤلفه‌ها و شخصهای ارزشیابی که از قبل آماده شده بودند، نمونه‌های ارائه شده از سوی همکلاسیهای خود را ارزشیابی کرند.
بازنگری	یادگیرنده‌گان نمونه‌ها را به منظور افزایش قدرت تبیین و پیش‌بینی و در نظر گرفتن سایر شواهد یا ابعاد پذیرده مورد بازنگری قرار می‌دهند.	پس از پیان هر مرحله، دانش آموzan این فرست را داشتند تا با توجه به تجربیات جدیدی که به دست آورده‌اند، نمونه خود را بازنگری کنند.
ماهیت	به ایده‌های یادگیرنده‌گان درباره آنچه به عنوان یک پاسخ کافی دانش آموzan با انواع سوالات و پاسخهایی که هر یک نیاز دارند، آشنا	

شدن و آنها می‌باشد پاسخ مورد نظر خود را با سوال مطرح شده در درس تطبیق می‌دادند.	برای سوالاتشان در نظر می‌گیرند، تأکید می‌کند.	
در این مطالعه پس از ایجاد نمونه اولیه از سوی دانش آموzan برای آنها سوال جدید مطرح شد و آنها نمونه خود را با توجه به پاسخ سوال جدید تعمیم دادند. علاوه بر این با توجه به مقامی مورد نظر با مفاهیم دیگری مانند علیت، بیان‌زدایی و ... آشنا شدند.	به درک یادگیرندگان از اینکه آیا و چگونه یک پدیده خاص یا تجربیات به سایر پدیده‌ها و ایده‌های علمی عمومی تر مرتبط می‌شوند، اشاره می‌کند.	تعیین
دانش آموzan به هنگام ایجاد روابط میان اجزای نمونه، دلیل و شواهد خود را بیان کردند.	بر پشتیبانی ایده‌ها با شواهد و ربط دادن شواهد با محصول دانش و ارائه تبیین و استدلال تأکید می‌کند.	توجیه
دانش آموzan از ابتدای کار، دانش آموzan پایه هفتم را در حکم مخاطبان نمونه خود برگزیدند.	این ملاحظه بر روی تعیین مخاطب از سوی یادگیرندگان برای محصولات دانشی شان تأکید می‌کند.	مخاطب
با قرار دادن فایل پاورپوینت در اختیار دانش آموzan و پیوستگی میان مراحل گوناگون و تأمل میان مراحل، دانش آموzan می‌توانستند ارتباط میان کنشهای نمونه‌سازی را به خوبی درک کنند. علاوه بر این با بهره‌گیری از مثالهای ملموس و عینی می‌توانستند به راحتی میان مفاهیم و مسائل روزمره زندگی خود ارتباط برقرار کنند.	برقراری ارتباط میان کنشهای فرایند جستاورزی علوم ارتباط با مثالهای مرتبط شخصی	قابل دسترس کردن علوم
با قرار دادن قالبهای یادگیرندگان به منظور سازماندهی ایده‌هایشان و به کارگیری ابزارهای بازنمایی دانش از راهبردهایی است که می‌توان به منظور قابل رویت کردن تفکر یادگیرندگان از آنها استفاده کرد.	فراهرم‌کردن قالبهای یادگیرندگان به منظور سازماندهی ایده‌هایشان و به کارگیری ابزارهای بازنمایی دانش از راهبردهایی است که می‌توان به منظور قابل رویت کردن تفکر یادگیرندگان از آنها استفاده کرد.	قابل رویت کردن تفکر
دانش آموzan پس از ساخت نمونه‌های خود این امکان را داشتند تا نمونه خود را با دیگر همکلاسیها به اشتراک بگذارند و نظرات آنها را جویا شوند.	این اصل بر کمک به یادگیرندگان برای شنیدن و یادگیری از یکدیگر تأکید می‌کند.	کمک به یادگیرندگان برای یادگیری از یکدیگر
دانش آموzan از هر مرحله این امکان را داشتند تا نسبت به آن مرحله تأمل و بازنگری کنند و این مقوله به آنها کمک می‌کرد تا علاوه بر برقراری ارتباط میان کنشهای نمونه‌سازی، درک بهتری از آنچه خود ساخته‌اند، داشته باشند.	تشویق به تأمل کردن	ارتقای یادگیری مادام العمر مستقل
در این مطالعه، محصول دانش نمونه‌ای بود که قرار بود دانش آموzan بسازند.	شامل یک تبیین، نمونه، استدلال و یک سوال پژوهشی باشد که چه به صورت فیزیکی، تصویری، شفاهی یا از طریق ابزارهای محاسباتی ارائه می‌شود.	محصول دانش
در این مطالعه با به کارگیری فنون گوناگون تکیه‌گاه سازی مانند ایجاد قالبهایی به منظور پیشروز فرایند نمونه‌سازی، امکان به اشتراک‌گاری نمونه‌ها میان دانش آموzan، استفاده از نظرات دانش آموzan و معلمان و امکان مشاهده ویدیوهای آموزشی از ابتدای انتها کار دانش آموzan پشتیبانی می‌شدند.	نوعی کمک به یادگیرنده که معلم یا سایر دانش آموzan به منظور پشتیبانی یادگیری ارائه می‌کنند. در این فرایند معلم به یادگیرنده کمک می‌کند تا به تکالیف یا مفهومی تسسلط یابد که ابتدا به تنهایی قادر به درک آن نبوده است.	تکیه‌گاه سازی

سؤال دوم: فرایند طراحی الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی دارای چه مراحلی است؟  
بر اساس نتایج استخراج شده در جدول ۱ و اجرای آزمایشی الگو و تصحیح آن پس از دریافت بازخورد متخصصان آموزشی، الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی مطابق با شکل ۱ طراحی شده است.



شکل ۱: الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی

در ادامه چگونگی طراحی درسی با عنوان «ارتباط چرخه کربن با گرم شدن زمین» به شیوه الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی شرح داده شده است.

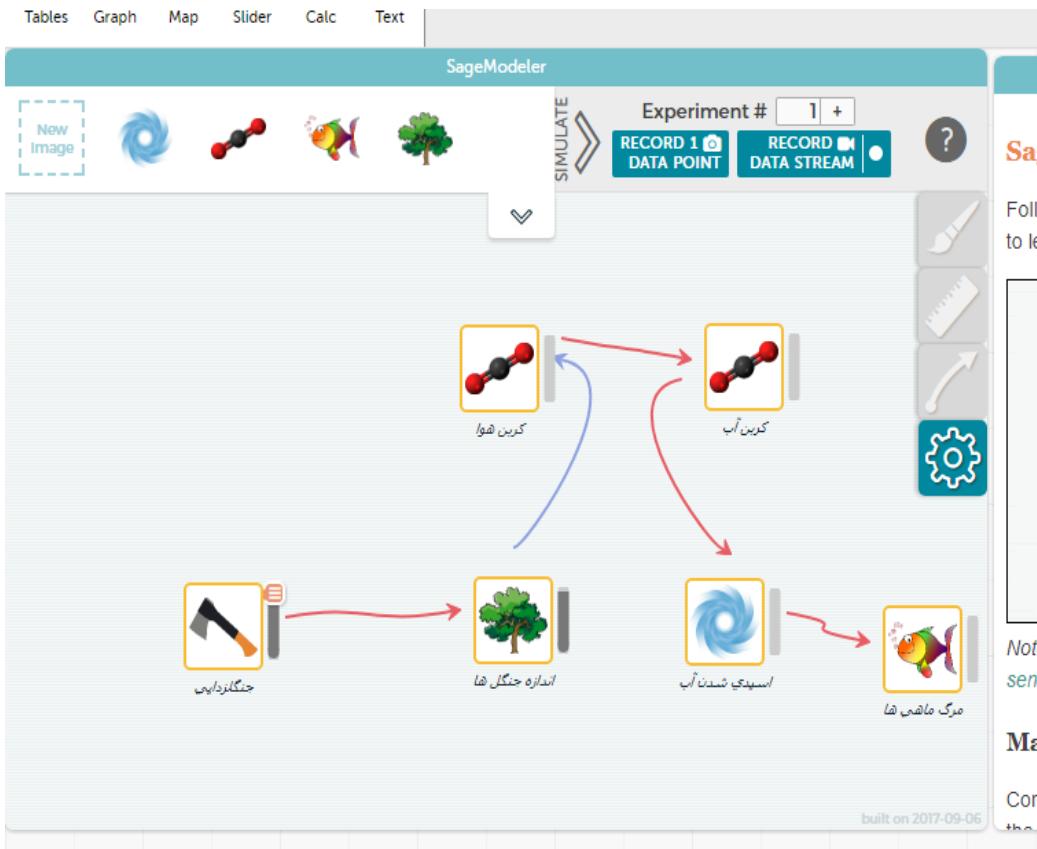
**موضوع:** ارتباط چرخه کربن با گرم شدن زمین چیست؟

- معلم ابتدا به منظور ارائه فعالیتهای یادگیری و ذخیره‌سازی نظرات یادگیرندگان و بازیابی

آنها به ازای هر گروه یک فایل پاورپوینت تهیه کرد و در اختیار گروهها قرار داد.

- دانش آموزان گروه‌بندی شدند و هر گروه در مقابل یک صفحه نمایش قرار گرفت.
- به منظور جلب توجه یادگیرندگان در دو اسلاید اول، تصاویری مرتبط با اثرات گرم شدن زمین روی موجودات زمین قرار گرفت و پخش شد.
- چندین سؤال ابتدایی برای دریافت نظرات یادگیرندگان قبل از آموزش ارائه شد که به منظور پاسخ به سؤالات بحث و گفتگویی در کلاس صورت گرفت و نظرات همه یادگیرندگان نسبت به سؤالات مطرح شده دریافت شد. علاوه بر این یادگیرندگان این امکان را داشتند تا نظراتشان را در فایل مورد نظر در مقابل سؤال ثبت کنند.
- به ازای هر یک از مفاهیم تاثیر گازهای گلخانه ای، چرخه کربن و گرم شدن زمین یک اسلاید به همراه توضیحات مربوطه و نمایش ویدیویی آن مفهوم به همراه توضیحات معلم ارائه شد. دانش آموزان این امکان را داشتند تا پایان پژوهش از توضیحات مفاهیم و ویدیوها استفاده کنند.
- پس از ارائه مفاهیم، چندین اسلاید به خود نمونه و نمونه‌سازی، ماهیت آن و کاربردهایی که می‌تواند داشته باشد، اختصاص داشت. در این اسلایدها درباره نمونه‌ها، انواع آنها و اهدافی که می‌توان با این نمونه‌ها به آنها دست یافت، همراه با برخی از نمونه‌هایی که دانش آموزان با اهداف گوناگون با بهره‌گیری از ابزار نمونه‌سازی تهیه کرده بودند، توضیحات لازم داده می‌شود.
- سپس در اسلایدی دیگر بر ماهیت سؤال و پاسخ دانش آموزان (محصول دانش) تاکید و به اهمیت ماهیت سؤال و ارتباط آن با آنچه قرار است ساخته شود، اشاره می‌شود.
- در اسلایدی دیگر به منظور تعیین مخاطب، از دانش آموزان خواسته می‌شود تا نمونه خود را برای دانش آموزان مقطع هفتمنتهی کنند تا به آنها مفاهیم و ارتباط میان آنها را آموزش دهند.
- در اسلایدی دیگر مراحل نمونه سازی و زیرمجموعه هر مرحله به صورت کلی و سپس هر مرحله از نمونه سازی به همراه زیرمجموعه آن در اسلایدهای جداگانه به دانش آموزان ارائه می‌شود. برای مثال تولید شامل ایجاد اجزا، شناسایی روابط میان اجزاء، ارائه دلیل برای روابط میان اجزاء و استفاده و نمایش نمونه و گراف‌سازی است. از دانش آموزان خواسته شد به ازای هر مرحله فعالیتهای لازم را انجام دهند. آنها می‌باشند پاسخهای خود را در فایل پاورپوینت وارد می‌کردند. مثلاً در مرحله تولید یادگیرندگان می‌باشند با توجه به

سؤالهای مطرح شده، هر یک از زیرمرحله‌های تولید را انجام دهنده تا فرایند تولید کامل شود. در هر مرحله گروه با توجه به بازخوردهای معلم نسبت به آن مرحله بازنگری می‌کند. در شکل ۲ نمونه‌های از نمونه‌های ساخته شده دانش آموزان نشان داده شده است.



شکل ۲: نمونه ای از نمونه‌سازی یادگیرندگان

- دانش آموزان به منظور ایجاد هر رابطه دلیل و شواهد خود را بیان کردند.
- پس از ارائه همه مراحل از دانش آموزان سوالی جدید پرسیده شد و از آنها خواسته شد تا با توجه به سؤال مطرح شده و اطلاعات جدیدی که به دست آورده‌اند، نمونه خود را ویرایش کنند یا تغییر دهند.
- سپس دانش آموزان هر گروه نمونه خود را به همراه دلایل خود به سایر گروهها ارائه و بازخوردهای معلم و دیگر دانش آموزان را دریافت کردند. به منظور کمک به دانش آموزان

برای ارزشیابی نمونه همکلاسی‌هایشان، یک چارچوب ارزشیابی تهیه شده بود تا آنها بتوانند با توجه به آن چارچوب ارزشیابی کنند.

- در نهایت دانشآموزان بر اساس بازخورد معلم و همکلاسیهای خود نمونه را تصحیح می‌کنند و به معلم تحويل می‌دهند. علاوه بر این، آنان فرصت داشتند تا به اسلامیدهای اولیه خود برگردند و پاسخهایی را که به دو سؤال اول داده بودند، تصحیح کنند.

در ادامه یافته‌ها برای دستیابی به پاسخ سؤال سوم مبنی بر «تأثیر استفاده از الگوی مبتنی بر نمونه‌سازی بر روی یادگیری مفهومی و کنشهای نمونه‌سازی دانشآموزان چگونه است؟» دو بخش ارائه می‌شود. در بخش اول به توصیف نمونه آماری و داده‌های خام حاصل از متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. در تجزیه و تحلیل توصیفی اطلاعات، شاخصهای آمار توصیفی نمرات حاصل از اجرای آزمون یادگیری مفاهیم و کنشهای نمونه‌سازی (در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون) برای هر گروه به طور جداگانه محاسبه و گزارش شده است. در بخش دوم با استفاده از روش‌های آمار استنباطی فرضیه پژوهش مورد آزمون قرار گرفت تا نتایج به دست آمده از نمونه به جامعه آماری پژوهش تعمیم داده شود. برای این کار از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره<sup>۱</sup> استفاده شده است.

### آمار توصیفی

قبل از ارائه متغیر مستقل (الگوی مبتنی بر نمونه‌سازی) از دانشآموزان هر دو گروه پیش آزمون یادگیری مفهومی و کنشهای نمونه‌سازی گرفته شد که داده‌های توصیفی آن در جدول شماره ۲ و ۳ آمده است.

جدول ۲: آمار توصیفی پیش آزمون گروههای آزمایش و کنترل در متغیر یادگیری مفهومی

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروهها
۰/۴۳۵	۰/۴	۲۵	گروه آزمایش
۰/۴۵۸	۰/۲۸	۲۵	گروه کنترل

جدول ۳: آمار توصیفی پیش آزمون گروههای آزمایش و کنترل در متغیر کنشهای نمونه‌سازی

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروهها
۰/۲۷۶	۰/۰۸	۲۵	گروه آزمایش
۰/۳۳۱	۰/۱۲	۲۵	گروه کنترل

1. MANCOVA

بر اساس اطلاعات گزارش شده در جدول شماره ۲ میانگین نمرات پیش‌آزمون یادگیری مفهومی آزمودنیها در گروه آزمایش برابر با  $0/24$  با انحراف استاندارد  $0/435$ ، میانگین نمرات پیش‌آزمون یادگیری آزمودنیها در گروه کنترل برابر با  $0/28$  و انحراف استاندارد  $0/458$  است.

بر اساس اطلاعات گزارش شده در جدول شماره ۳، میانگین نمرات پیش‌آزمون کنش آزمودنیها در گروه آزمایش برابر با  $0/08$  با انحراف استاندارد  $0/276$ ، میانگین نمرات پیش‌آزمون یادگیری آزمودنیها در گروه کنترل برابر با  $0/12$  و انحراف استاندارد  $0/331$  است.

بر اساس اطلاعات گزارش شده در جدول شماره ۴، میانگین نمرات پس‌آزمون یادگیری آزمودنیها در گروه آزمایش و کنترل به ترتیب برابر با  $9/35$  و  $7/37$  با انحراف استاندارد  $0/525$  و  $0/787$  است و همچنین میانگین نمرات کنش آزمودنیها در گروه آزمایش برابر با  $5/23$  و انحراف استاندارد  $0/572$  و میانگین آزمون کنش در گروه کنترل برابر با  $2/97$  با انحراف استاندارد  $0/778$  است.

جدول ۴: آمار توصیفی پس‌آزمون گروههای آزمایش و کنترل در آزمون یادگیری و کنش

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
یادگیری مفهومی	آزمایش	۲۵	۹/۳۵	$0/525$
	کنترل	۲۵	۷/۳۷	$0/787$
کنش	آزمایش	۲۵	۵/۲۳	$0/572$
	کنترل	۲۵	۲/۹۷	$0/778$

به منظور آزمودن سؤال پژوهش مبنی بر «تأثیر استفاده از الگوی مبتنی بر نمونه‌سازی روی یادگیری مفهومی و کنشهای نمونه‌سازی دانش‌آموزان چگونه است؟» عملکرد گروهها (کنترل و آزمایش) در قالب پیش‌آزمون و پس‌آزمون یادگیری مفهوم و کنش با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره سنجیده شد. قبل از اجرای تحلیل کوواریانس باید چندین پیش‌فرض برای انجام دادن کوواریانس رعایت شود. در ادامه نتایج هر یک از پیش‌فرضها ارائه شده است.

### همگنی رگرسیون

یکی از موردهایی که پیش از تحلیل کوواریانس باید بررسی شود، وجود همگنی رگرسیون است آن گونه که خطوط رگرسیون هر دو گروه موازی باشد. نتیجه بررسی همگنی رگرسیون این پژوهش در جدول شماره ۵ گزارش شده است. در این جدول نتایج آزمون همگنی ضرایب رگرسیون عامل یادگیری مفهومی و کنش آورده شده است. چون  $F$  محاسبه شده ( $P < 0/05$ ) و  $(F/1028)$  برای تعامل گروه و پیش‌آزمون در سطح کمتر از  $0/05$  معنادار نیست، بنابراین

داده‌ها از فرضیه همگنی شیبهای رگرسیونی پشتیبانی می‌کنند و این فرضیه پذیرفته می‌شود و می‌توان تحلیل کوواریانس چند متغیره را اجرا نمود.

جدول ۵: آزمون پیش‌فرض همگنی ضرایب رگرسیون در مفروضه‌های یادگیری مفهوم و کنش

سطح معناداری	F محاسبه شده	میانگین مجذورها	درجه آزادی	مجموع مجذورها پیش آزمون	منع تغییر	
۰/۱۰۹	۲/۰۱۲	۲/۶۷۵	۴	۱۰/۷۰۰	یادگیری	پیش آزمون
۰/۰۲۲	۳/۱۶۷	۴/۷۳۷	۴	۱۸/۹۴۷	کنش	
۰/۰۰۰	۱۹۰/۹/۴۱۹	۲۵۳۸/۲۴۰	۱	۲۵۳۸/۲۴۰	یادگیری	گروههای آزمایشی
۰/۰۰۰	۴۱۲/۹/۸۸	۶۱۷/۶۷۷	۱	۶۱۷/۶۷۷	کنش	
۰/۰۵۸	۳/۰۴۰	۴/۰۴۱	۲	۸/۰۸۱	یادگیری	تعامل گروه و پیش آزمون
۰/۳۶۶	۱/۰۲۸	۱/۵۳۷	۲	۳/۰۷۵	کنش	
		۱/۳۲۹	۲۵	۵۹/۸۲۰	یادگیری	خطا
		۱/۴۹۶	۴۵	۶۷/۳۰۳	کنش	

### آزمون کولموگروف اسمیرنف

یکی دیگر از پیش‌فرضهای انجام تحلیل کوواریانس نرمال بودن گروههای است که از آزمون کولموگروف اسمیرنف استفاده می‌شود. این آزمون تطبیق توزیع برای داده‌های کمی است.

جدول ۶: آزمون کولموگروف اسمیرنف برای متغیر یادگیری و کنش

سطح معناداری	آماره کولموگروف اسمیرنف	متغیر
۰/۱۷۱	۰/۱۱۱	یادگیری مفهوم
۰/۱۶۷	۰/۱۱۱	کنش

براساس یافته‌های جدول شماره ۶ از آنجا که سطح معناداری به دست آمده در آزمون کولموگروف اسمیرنف در اکثر متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه، بیش از مقدار ملاک ۰/۰۵ است، از این رو می‌توان گفت که توزیع متغیرهای مورد بررسی در نمونه آماری نرمال است و می‌توانیم فرضیه‌های پژوهش را از طریق آزمونهای پارامتریک مورد آزمون قرار دهیم.

### آزمون باکس

یکی دیگر از پیش‌فرضهای تحلیل کوواریانس آزمون باکس برای همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس متغیرهای یادگیری و کنش است که یافته‌های آن در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون باکس جهت پیش‌فرض همگنی ماتریس واریانس-کوواریانس متغیرهای یادگیری و کنش

سطح معناداری	F نسبت	آزمون باکس
۰/۰۵۸	۲/۴۹۰	۷,۸۴۳

براساس جدول شماره ۷ مقدار سطح معناداری  $p < 0.05$  است که گویای آن است شرط همگنی ماتریس واریانس - کواریانس به خوبی رعایت شده است ( $f = 2/490$  و  $p < 0.05$ ).  
آزمون لوین

مفروضه دیگری که برای تحلیل کواریانس باید رعایت شود، همگنی واریانس‌ها است که به وسیله آزمون لوین بررسی می‌شود.

جدول ۸: نتایج آزمون پیش‌فرض همگنی واریانسها در متغیرهای یادگیری و کنش

آزمون لوین	F	نسبت	سطح معناداری
یادگیری مفهومی	۰/۲۲۵	۰/۶۳۷	
یادگیری کنش	۰/۰۰۳	۰/۹۵۶	

بررسی نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد سطح معناداری به دست آمده بزرگتر از  $0.05$  است بنابراین پیش‌فرض همگنی واریانسها تایید می‌شود.

#### تحلیل کواریانس چند متغیری

از آنجا که مفروضه‌های انجام تحلیل کواریانس تایید شده‌اند، می‌توان از این روش استفاده کرد. در جدول شماره ۹ نتایج تحلیل کواریانس نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون میان دو گروه در زمینه فرضیه پژوهش ارائه شده است.

جدول ۹: تحلیل کواریانس چند متغیری برای بررسی اثر متغیر گروه بر یادگیری و کنش

نام آزمون	مقدار	میزان F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطای متعادل	سطح معناداری	شاخص اتا
آزمون اثر پیلایی	۰/۸۶۱	<sup>b</sup> ۱۳۹/۸۰۷	۲	۴۵	۰/۰۰۰	۰/۸۶۱
آزمون لامبدای ویلکر	۰/۱۳۹	<sup>b</sup> ۱۳۹/۸۰۷	۲	۴۵	۰/۰۰۰	۰/۸۶۱
آزمون اثر هتلینگ	۶/۲۱۴	<sup>b</sup> ۱۳۹/۸۰۷	۲	۴۵	۰/۰۰۰	۰/۸۶۱
آزمون بزرگترین ریشه روى	۶/۲۱۴	<sup>b</sup> ۱۳۹/۸۰۷	۲	۴۵	۰/۰۰۰	۰/۸۶۱

همانطور که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود یافته‌های حاصل از تحلیل کواریانس چندمتغیری حاکی از آن است که مقدار F چند متغیری ( $139/807$ ) در سطح  $P < 0.05$  از لحاظ آماری معنادار است. لذا می‌توان گفت که بین دانش آموزان گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای وابسته (یادگیری مفهومی و کنش) تفاوتی معنادار وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه آزمایش است.

## بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی با بهره‌گیری از اصول طراحی آموزشی و مبانی معرفت‌شناختی نمونه‌سازی به منظور افزایش یادگیری مفهومی و کنشهای نمونه‌سازی دانش آموزان طراحی شده و بر اساس مفاهیم چرخه کربن، گرم شدن زمین و گازهای گلخانه‌ای روی گروه آزمایشی اجرا شده است. دقیقاً محتوای همان درس را معلم همان پایه در گروه گواه تدریس کرده است. به این‌گونه که در گروه گواه همه مراحل (مانند ارائه سؤال یا تدریس مفاهیم با استفاده از فیلم) به جز مراحلی که به نمونه‌سازی یا فرایند نمونه‌سازی مرتبط بوده، انجام شده است. نتیجه این پژوهش نشانگر آن است که به کارگیری رویکردهای نمونه‌سازی با توجه به اصول مطرح شده در پژوهش می‌تواند به مثابه رویکردی کنش-محور پاسخگوی ضعف مفهومی دانش آموزان، به ویژه ضعف آنها در درک و انجام کنشهای علمی باشد. علاوه بر این با به کارگیری رویکرد نمونه‌سازی و اصول و روش‌هایی مانند بهره‌گیری از مسائل ملموس و واقعی و مرتبط با زندگی شخصی دانش آموزان در فرایند آموزش، فراهم کردن فرصتی برای به تصویر کشیدن ایده‌های دانش آموزان و ترغیب آنان به یادگیری از یکدیگر، می‌توان به درک عمیق دانش آموزان از دانش و درگیر کردن آنها در فرایند ساخت دانش کمک کرد. الگوی مورد نظر با بهره‌گیری از مبانی معرفت‌شناختی نمونه‌سازی، درک فرایند ساخت نمونه را برای دانش آموزان آسان می‌کند. همچنین بهره‌گیری از فرایند معرفت‌شناختی به درک عمیق‌تر دانش آموزان نسبت به ماهیت و هدف نمونه‌سازی می‌انجامد و به آنان در یافتن نگاهی مشترک و درکی روش از فرایند نمونه‌سازی یاری می‌رساند.

برای طراحی آموزشی الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی طبق موارد و اصول بیان شده که ترکیبی است از فرایند نمونه‌سازی، اصول آموزش علوم و اصول معرفت‌شناختی نمونه‌سازی، لازم است موارد زیر در نظر گرفته شود:

**توجه به کنشهای نمونه‌سازی:** برای ساخت نمونه باید هریک از کنشهای برنامه‌ریزی، تولید، ارائه و ارزشیابی با توجه به زیرمراحلشان مدنظر قرار بگیرد. بی‌توجهی به هر یک از آنها در طراحی محیط‌های یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی ممکن است در یادگیری دانش آموزان تاثیراتی نامطلوب بگذارد.

علاوه براین انجام کنشها از سوی دانشآموزان، به درک نظری و عملی نسبت به فرایند هر یک از کنشها خواهد انجامید. این نتایج، یافته‌های فرتر<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۲)، مایا<sup>۲</sup> و جوستی<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) و بمبرگر<sup>۴</sup> و دیویس<sup>۵</sup> (۲۰۱۳) را نسبت به اهمیت کنشهای نمونه‌سازی تایید می‌کند.

در طراحی محیطهای یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی، انجام زیرمراحل هریک از کنشها از سوی دانشآموزان از اهمیت بسیار برخوردار است. کنش برنامه‌ریزی، با ارائه سؤال یا مساله از سوی معلم آغاز می‌شود. دانشآموزان بر اساس سؤالهای مطرح شده، اجزای نمونه موردنظر را در میان داده‌های موجود یا گردآوری شده، شناسایی می‌کنند. در این مرحله دانشآموزان ماهیت سؤالها را تشخیص می‌دهند و طی فرایند، پاسخ مناسب هریک از سؤالها را نمونه‌سازی می‌کنند. نمایش ویدیوهای آموزشی مرتبط با پدیده‌های مورد نظر برای دانشآموزان می‌تواند آنها را در شناسایی اجزای نمونه یا انجام سایر کنشهای نمونه‌سازی تکیه‌گاه‌سازی کند. پرینز<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند که برای برنامه‌ریزی ضروری است مسئله و مشکل تعریف و هدف یا اهداف نمونه مشخص شود.

به منظور کنش تولید، از دانشآموزان خواسته می‌شود تا با اضافه و حذف کردن اجزا یا مؤلفه‌ها (کومیس<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۷)، نوع روابط میان اجزا را مشخص کنند (لیو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶؛ سان و لویی<sup>۹</sup>، ۲۰۱۳). سپس برای روابط ایجاد شده دلایل علمی خود را بیان کنند و با نمایش نمونه ایرادات آن را اصلاح و در نهایت گراف نمونه خود را ترسیم کنند.

در مرحله بعد، هر یک از گروهها نمونه‌های خود را برای سایر گروهها ارائه و بیان می‌کنند. بیان دلایل و شواهد هر یک از روابط در نمونه‌ها از سوی گروهها به منظور افزایش مهارت توجیه و تعمیم دانشآموزان مهم و ضروری است. چانگ و همکاران (۲۰۱۰) و استراتفورد و همکاران (۱۹۹۸) معتقدند که بحث و تبادل نظر میان افراد می‌تواند به منظور کنش ارائه بهترین اقدام باشد.

گروهها، نمونه‌های همکلاسیهایشان را طی فرایند ارائه براساس برخی از ملاکهای از پیش معین شده، ارزشیابی می‌کنند. به کارگیری شیوه بحث و گفتگو میان دانشآموزان و معلم برای تعیین ملاکهای ارزشیابی منجر به درک عمیق‌تر دانشآموزان نسبت به کنش ارزشیابی خواهد شد.

- 
1. Fretz
  2. Maia
  3. Justi
  4. Bamberger
  5. Davis
  6. Prins
  7. Komis
  8. Liu
  9. Sun & Looi

استراتژیک و همکاران (۱۹۹۸) نیز معتقدند که این کنش در برگیرنده ارزشیابی یک نمونه یا چندین نمونه با یکدیگر بر اساس یک سری ملاک معین است.

بازنگری کنشی مهم و ضروری در ساخت نمونه است. ترغیب دانشآموzan به بازنگری در کشتهای انجام شده، آنها را با تجربیاتی جدیدتر رو به رو می‌کند. تجربیاتی که شاید به هنگام ساخت نمونه به آنها توجه نکرده باشند (لوكا و زاخاريا، ۲۰۱۵).

**اهمیت بعد معرفت‌شناختی فرایند نمونه‌سازی:** از همان ابتدا باید دانشآموzan را با ماهیت و هدف نمونه‌سازی و نقش آن در فرایند ساخت دانش آشنا کرد. نشان دادن نمونه‌های از پیش ساخته شده به دانشآموzan به معنادار شدن فرایند ساخت نمونه کمک می‌کند و درک یادگیرنده‌گان را نسبت به فرایند نمونه‌سازی افزایش می‌دهد. از دانشآموzan خواسته می‌شود تا نمونه خود را برای مخاطبانی خاص ایجاد کند. در فرایند ساخت نمونه در نظرگرفتن مخاطب منجر به جهت‌یابی بهتر دانشآموzan می‌شود. مطالعات شوارتز و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد یادگیرنده‌گان نیاز دارند تا چگونگی بهره‌گیری از نمونه‌ها، چراًی استفاده از آنها و مزایا و محدودیتهای آنها را درک کنند تا بتوانند به درک علوم و ماهیت پویای دانشی که علوم تولید می‌کند، نایل شوند.

**تکیه‌گاه سازی:** مطالعه پیشینه پژوهش نشان داد یادگیری از طریق نمونه تنها زمانی می‌تواند با موفقیت همراه شود که یادگیرنده‌گان به اندازه کافی مورد تکیه‌گاه‌سازی قرار بگیرند. تکیه‌گاه سازی‌های شناختی می‌تواند با نرم افزار نمونه‌سازی یا در یک یا چند فرایند جستارورزی ادغام شوند. دی جانگ و ون یولینگن (۱۹۹۸)، کوییتانا و همکاران (۲۰۰۴)، لین و همکاران (۲۰۰۴) و دی جانگ (۲۰۰۶) از جمله افرادی هستند که به این تکیه‌گاه سازی‌های شناختی توجهی ویژه داشته‌اند.

ایجاد قالبهایی برای یادگیرنده‌گان به ویژه برای سازماندهی ایده‌هایشان می‌تواند به ایجاد یادگیری مادام‌العمر در دانشآموzan کمک کند. به کارگیری پاورپوینت و هدایت دانشآموzan با به کارگیری پیگیری مراحل پشت سرهم، منجر به تکیه‌گاه‌سازی دانشآموzan می‌شود. به عبارت دیگر این امکان را به آنها می‌دهد تا بتوانند ضمن ثبت یافته‌های خود توانایی انتقال دانش، مهارت و درک مفهومی خود را افزایش دهند. کلارک و سامسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که به کارگیری قالبهایی از پیش تعیین شده و تکیه‌گاه‌سازی دانشآموzan به استخراج ایده‌های دانشآموzan و در نهایت یادگیری آنها کمک می‌کند.

1. Sampson

تشویق به تامل کردن: تأمل در فرایند نمونه‌سازی، عاملی بسیار مهم برای درک فرایند نمونه‌سازی به شمار می‌آید. لین و شی<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) دریافتند، زمانی که یادگیرنده‌گان تأمل می‌کنند، آنها پیشرفت‌شان را نظارت می‌کنند و به دیدگاه‌های جدید دست می‌یابند. به خلاف مواد آموزشی متنه، مواد آموزشی فناوری-محور یادگیرنده‌گان را به تأمل در ایده‌هایشان در حالی که یاد می‌گیرند، تشویق می‌کند.

با توجه به موقعیت‌های گوناگون می‌توان از شیوه‌های متفاوت برای تأمل و بازندهشی دانش‌آموزان بهره جست. از این رو دانش‌آموزان می‌توانند در هر مرحله با توجه به اطلاعات جدیدی که به دست می‌آورند، پاسخهای ابتدایی خود را در ابتدای درس ویرایش کنند و آنها را ارتقا دهند. علاوه براین مرور زیرمراحل هر مرحله با سایر هم‌گروهیها، درک کنشها را برای دانش‌آموزان بهتر و یادآوری آنها را تسهیل می‌کند.

به کارگیری الگوی یادگیری مبتنی بر نمونه‌سازی منجر به افزایش درک دانش‌آموزان نسبت به مفاهیم چرخه کربن، گرم شدن زمین و گازهای گلخانه‌ای شد. علاوه براین فرایند نمونه‌سازی درک سیستمی دانش‌آموزان را نسبت به پدیده‌های مورد نظر افزایش داد. دانش‌آموزان توانستند به صورت سیستمی تاثیر افزایش یا کاهش هر یک از اجزای پدیده‌ها را به صورت مستقیم در زندگی روزمره خود ملاحظه کنند. علاوه بر این دانش‌آموزان طی فرایند ساخت نمونه با مفاهیمی مانند علیت، گرافسازی و ... آشنا شدند و به گونه‌ای فرایند نمونه‌سازی آنان را در فرایندی علمی درگیر کرد که در پی یافتن راه حل و فرضیه‌سازی برای سوالات خود به اشتراک گذاشتند. سور و شوق دانش‌آموزان به گونه‌ای بود که حتی در زنگهای تفریح هم درگیر نمونه‌سازی و اشکال‌یابی بودند. با توجه به انگیزه بسیار زیاد دانش‌آموزان و نقش این روش در کمک به آنان در درک فرایند علمی، بسیاری از معلمان تشویق شدند تا سایر پدیده‌های علوم را با این شیوه آموزش دهند.

با توجه به نقش پرنگ نمونه‌سازی و اهمیت آن در درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند علمی، این شیوه در کلاسهای درس کمتر استفاده می‌شود. به کارگیری این رویکرد با توجه به اصول مطرح شده در کلاسهای درس توصیه می‌شود. اما بیش از هرچیز آموزش و آگاهسازی معلمان نسبت به چگونگی به کارگیری این شیوه باید مورد توجه قرار گیرد.

1. Hsi

## منابع

- احمدی، غلامعلی. (۱۳۸۵). بررسی میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده در برنامه جدید آموزش علوم دوره ابتدایی. *فصلنامه تعلیم و تربیت*, ۲۲(۲)، ۵۱-۹۲.
- قبری، فرانک و کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۰). میزان بکارگیری روش تدریس فعال توصیه شده در راهنمای تدریس کتاب علوم تجربی پایه پنجم ابتدایی توسط معلمان شهر رشت و تأثیر آن بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۷۹. *پژوهش‌های تربیتی دانشگاه خوارزمی*, ۹(۴-۳)، ۱۲۹-۱۵۸.
- کریمی، عبدالعظیم؛ بخشعلی زاده، شهرناز و کبیری، مسعود. (۱۳۹۱). گزارش اجمالی از مهم ترین نتایج تیمز و پرلنز ۲۰۱۱ و مقایسه آن با عملکرد دانش آموزان ایران در دوره های قبل. *پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش*. لشکریلوکی، غلامرضا. (۱۳۹۲). داش آموزان ایرانی در آینه تیمز ۲۰۱۱. *رشد آموزش راهنمایی تحصیلی*, ۱۸(۸)، ۱۲-۱۵.
- نجفی هزارجریبی، حبیب الله. (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه تاثیر روش تدریس حل مسئله با روش تدریس سنتی در دروس علوم تجربی و ریاضیات بر پیشرفت تحصیلی و یادآوری دانش آموزان کلاس سوم راهنمایی مدارس دولتی شهر بهشهر و ارائه الگوی عملی. *پژوهش‌های تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرود*, ۴(۱۴)، ۱۸۱-۱۹۹.
- Alfieri, L., Brooks, P. J., Aldrich, N. J., & Tenenbaum, H. R. (2011). Does discovery-based instruction enhance learning? *Journal of Educational Psychology*, 103(1), 1-18. doi: 10.1037/a0021017.
- Bamberger, Y. M., & Davis, E. A. (2013). Middle-school science students' scientific modeling performances across content areas and within a learning progression. *International Journal of Science Education*, 35(2), 213-238.
- Barab, S., & Squire, K. (2004). Design-based research: Putting a stake in the ground. *Journal of the Learning Sciences*, 13(1), 1-14.
- Berland, L. K., Schwarz, C. V., Krist, C., Kenyon, L., Lo, A. S., & Reiser, B. J. (2016). Epistemologies in practice: Making scientific practices meaningful for students. *Journal of Research in Science Teaching*, 53(7), 1082-1112.
- Bravo, C., Van Joolingen, W. R., & De Jong, T. (2006). Modeling and simulation in inquiry learning: Checking solutions and giving intelligent advice. *Simulation*, 82(11), 769-784.
- Chang, H. Y., Quintana, C., & Krajcik, J. S. (2010). The impact of designing and evaluating molecular animations on how well middle school students understand the particulate nature of matter. *Science Education*, 94(1), 73-94.
- Clark, D. B., & Sampson, V. D. (2007). Personally-seeded discussions to scaffold online argumentation. *International Journal of Scientific Education*, 29(3), 253-277.
- Clark, D. B., & Sengupta, P. (2013). Argumentation and Modeling: Integrating the products and practices of science to improve science education. In M. Khine & I. Saleh (Eds.), *Approaches and strategies in next generation science learning* (85-105). Hershey, PA: IGI Global/Information Science References. doi:10.4018/978-1-4666-2809-0.ch005.
- De Jong, T. (2006). Scaffolds for computer simulation based scientific discovery learning. In J. Elen, & R. E. Clark (Eds.), *Handling complexity in learning environments: Theory and research* (pp. 107-128). Boston: Elsevier.

- De Jong, T., & Van Joolingen, W. R. (1998). Scientific discovery learning with computer simulations of conceptual domains. *Review of Educational Research*, 68(2), 179-201. doi: 10.3102/00346543068002179.
- \_\_\_\_\_ (2008). Model-facilitated learning. In J.M. Spector, M.D. Merrill, J. van Merriënboer, & M.P. Driscoll (Eds.), *Handbook of research on educational communications and technology* (3rd ed., pp.457-468). New York, NY: Lawrence Erlbaum Associates.
- Eysink, T. H., de Jong, T., Berthold, K., Kolhoffel, B., Opfermann, M., & Wouters, P. (2009). Learner performance in multimedia learning arrangements: An analysis across instructional approaches. *American Educational Research Journal*, 46(4), 1107-1149.
- Fretz, E.B., Wu, H.-K., Zhang, B., Davis, E.A., Krajcik, J.S., & Soloway, E. (2002). An investigation of software scaffolds supporting modeling practices. *Research in Science Education*, 32(4), 567-589.
- Gilbert, J. K. (2004). Models and modeling: Routes to more authentic science education. *International Journal of Science and Mathematics Education*, 2(2), 115-130.
- Hansen, E. (1990). The role of interactive video technology in higher education: Case study and a proposed framework. *Educational Technology*, 30(9), 13-21.
- Harel, I. E., & Papert, S. E. (1991). *Constructionism*. New York: Ablex Publishing.
- Jonassen, D. H., Carr, C., & Yueh, H. P. (1998). Computers as mindtools for engaging learners in critical thinking. *Tech Trends*, 43(2), 24-32.
- Kali, Y., & Linn, M. C. (2008). Technology-enhanced support strategies for inquiry learning. In J. M. Spector, M. D. Merrill, J. J. G. Van Merriënboer, & M. Driscoll (Eds.), *Handbook of research on educational communications and technology* (3rd ed., pp. 145-161). New York, NY: Lawrence Erlbaum.
- Klahr, D., & Nigam, M. (2004). The equivalence of learning paths in early science instruction: Effect of direct instruction and discovery learning. *Psychological Science*, 15(10), 661-667. doi: 10.1111/j.0956-7976.2004.00737.x.
- Komis, V., Ergazaki, M., & Zogza, V. (2007). Comparing computer-supported dynamic modeling and 'paper & pencil' concept mapping technique in students' collaborative activity. *Computers & Education*, 49(4), 991-1017. doi:10.1016/j.compedu.2005.12.007.
- Linn, M. C., & Hsi, S. (2000). *Computers, teachers, peers: Science learning partners*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Linn, M. C., Bell, P., & Davis, E. A. (2004). Specific design principles: Elaborating the scaffolded knowledge integration framework. In M. C. Linn, E. A. Davis, & P. Bell (Eds.), *Internet environments for science education* (pp. 315-339). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Liu, X. (2006). Effects of combined hands-on laboratory and computer modeling on student learning of gas laws: A quasi-experimental study. *Journal of Science Education and Technology*, 15(1), 89-100. doi:10.1007/s10956-006-0359-7.
- Louca, L. T., & Zacharia, Z. C. (2012). Modeling-based learning in science education: Cognitive, metacognitive, social, material and epistemological contributions. *Educational Review*, 64(4), 471-492.

- (2015). Examining learning through modeling in K-6 science education. *Journal of Science Education and Technology*, 24(2), 192-215.
- Maia, P.F., & Justi, R. (2009). Learning of chemical equilibrium through modelling-based teaching. *International Journal of Science Education*, 31(5), 603-630.
- Martin, M. O., Mullis, I. V. S., Gonzalez, E. J., & Chrostowski, S. J. (2004). *TIMSS 2003 international science report*. Chestnut Hill, MA: TIMSS & PIRLS International Study Center, Boston College.
- Minner, D. D., Levy, A. J., & Century, J. (2010). Inquiry-based science instruction-What is it and does it matter? Results from a research synthesis years 1984 to 2002. *Journal of Research in Science Teaching*, 47(4), 474-496. doi: 10.1002/tea.20347 .
- Namdar, B., & Shen, J. (2015). Modeling-oriented assessment in K-12 science education: A synthesis of research from 1980 to 2013 and new directions. *International Journal of Science Education*, 37(7), 993-1023.
- National Research Council. (2012). *A framework for K-12 science education: Practices, crosscutting concepts, and core ideas*. Washington, DC: The National Academies Press.
- (2013). *Next generation science standards: For states, by states*. Washington, DC: The National Academies Press.
- Prins, G. T., Bulte, A. M. W., van Driel, J. H., & Pilot, A. (2009). Students' involvement in authentic modelling practices as contexts in chemistry education. *Research in Science Education*, 39(5), 681-700. doi:10.1007/s11165-008-9099-4.
- Quintana, C., Reiser, B. J., Davis, E. A., Krajcik, J., Fretz, E., Duncan, R. G., ... Soloway, E. (2004). A scaffolding design framework for software to support science inquiry. *Journal of the Learning Sciences*, 13(3), 337-386.
- Schwarz, C. V., & White, B. Y. (2005). Metamodeling knowledge: Developing students' understanding of scientific modeling. *Cognition and Instruction*, 23(2), 165-205.
- Schwarz, C. V., Reiser, B. J., Davis, E. A., Kenyon, L., Achér, A., Fortus, D., ... Krajcik, J. (2009). Developing a learning progression for scientific modeling: Making scientific modeling accessible and meaningful for learners. *Journal of Research in Science Teaching*, 46(6), 632-654.
- Stratford, S. J., Krajcik, J., & Soloway, E. (1998). Secondary students' dynamic modeling processes: Analyzing, reasoning about, synthesizing, and testing models of stream ecosystems. *Journal of Science Education and Technology*, 7(3), 215-234.
- Sun, D., & Looi, C.-K. (2013). Designing a web-based science learning environment for model-based collaborative inquiry. *Journal of Science Education and Technology*, 22(1), 73-89.doi:10.1007/s10956-012-9377-9.
- van den Akker, J., McKenney, S., Nieveen, N. M., & Gravemeijer, K. (2006). Introducing educational design research. In J. van den Akker, K. Gravemeijer, S. McKenney, & N. Nieveen (Eds.), *Educational design research* (pp. 3-7). London: Routledge.